



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۵/۲۸

سید عظیم حسینی

درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی قسمت چهارم

" با وجود اینکه در بین سال های ۱۹۵۲-۱۹۳۲ در ساحة اقتصادی اقداماتی توسط بخش خصوصی و دولت صورت گرفت، اما در ساختمان اقتصادی افغانستان تغییر محسوسی ایجاد نشد. جمعیت افغانستان سالانه ۶٪ زیاد شد، اما در عایدات مردم تغییر مثبتی ایجاد نگردید. و عقیده تحلیل گران و کسانی که با اقتصاد افغانستان آشنایی دارند و متخصصین معروف سطح زندگی و عایدات فی نفر در این دوره کاهش یافت. به صورت واقعی زیربنایی اقتصادی اعمار نشد و فعالیت های اقتصادی در چهار چوب بازار های محلی انجام میگردید. سردار محمد داود خان در تاریخ اقتصادی و سیاسی افغانستان بدون تردید یکی از شخصیت های نامدار و ماندگار به شمار میرود. نقش سردار موصوف در ایجاد سیستم پلان گذاری و تثبیت موقف بی طرفی افغانستان و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی افغانستان با کشور های متحابه و بالاخره تغییر نظام سیاسی افغانستان غیر قابل انکار است، غیر قابل تردید است. در سپتمبر ۱۹۵۳ زمانیکه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، داود خان را موظف ساخت تا به حیث صدراعظم ایفای وظیفه بکند، و اونها را انتخاب کردند، اوضاع اقتصادی و اجتماعی افغانستان به اساس هر معیاری که ما و شما قضاوت بکنیم، سبب نگرانی و اندیشه زیاد بود. " (مصاحبه محترم عزیزالله فروغ، سابق وزیر پلان با تلویزیون خلاتهیه نسخه قلمی:

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

نصیبہ اکرم حیدری) ویا به عبارت دیگر درکشورهیچنوع نظام اقتصادی بصورت فعال وجود نداشت. در عین حال، نظر به شرایط سیاسی و اقتصادی آن زمان که دو بلاک سرمایه داری و سوسیالیستی در جهان حاکم و در مقابل هم قرار داشت، یکتعداد از کشورهای جهان سوم یا کمترین انکشاف یافته علاقمند ایجاد سیستم اقتصاد رهبری شده بودند و محمد داؤد صدراعظم نیز برخلاف اسلاف خویش، با ایجاد و تحکیم سیستم اقتصاد رهبری شده همسوئی داشت. مسایل یادشده ممکن است از جمله عواملی باشد که محمد داؤد صدراعظم تصمیم گرفت سیستم اقتصاد رهبری شده و "مختلط" را درکشور پیاده نماید. به این ترتیب مشکلاتی که در برابر سکتور خصوصی قبلاً ظهور نموده و جان گرفته بود با انتصاب محمد داؤد به حیث صدراعظم، فربه تر و وارد مرحله جدید شد، و چون نظام اقتصادی قبلی که توسط عبدالمجید زابلی بنیان گذاری شده بود و نخستین گام در جهت استقرار یک نظام اقتصادی به همکاری سکتور خصوصی در افغانستان بشمار میرفت، بنابر هر دلیلی که بود در نیمه راه و نافرجام باقی ماند و مورد توجه و تائید محمد داؤد صدراعظم واقع نگردید. بنابر آن از لحاظ سیاست اقتصادی دوره جدیدی در کشور آغاز و تدابیری در ایجاد سیستم جدید اقتصادی رویدست گرفته شد که با دوره ۲۰ ساله گذشته (دوران صدرات محمد هاشم و شاه محمود خان کاکا های محمد ظاهر شاه) کاملاً متفاوت بود. "بعد از دوره های متعدد تطبیق سیاست های اقتصادی متفاوت که هیچکدام در چوکات یک نظام مدون اقتصادی گنجانیده شده نتوانسته بودند، بالاخره دولت افغانستان متوجه این اصل گردید که تعقیب سیاست اقتصادی مبنی بر "کاپیتالیسم دولتی" اصطلاح "کاپیتالیسم دولتی" state capitalism را برای اولین بار اقتصاد دان آلمانی بنام هورست نیگلر Horst Nagler در کتاب خود بنام "تثببات خصوصی در ایجاد صنایع در افغانستان" بکار برده است. که از طرف مرحوم عبدالمجید زابلی به حیث بزرگترین سرمایه گذار و در عین زمان پر قدرت ترین سیاست گذار در کشور عملی میشد، اقتصاد افغانستان را متضرر میسازد در همین سالها بود که سردار محمد داودخان به حیث صدراعظم افغانستان شروع به کار کرد (۱۹۵۳) و در چوکات پروگرام عمومی حکومت خود اساس و پایه یک سیاست اقتصادی مداخلوی را گذارده که میتوان آنرا تحت عنوان نظام اقتصاد رهبری شده یا **Economie Dirigee**

معرفی نمود. سردار مذکور در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴) سیاست و نظام اقتصادی خود را طی بیانیه در محضر اتاقهای تجارت افغانستان چنین تشریح نمود: ".... در عصر حاضر معضلات اقتصادی آنقدر اهمیت پیدا نموده اند که در هر کشور به حیث پرابلم های اساسی تلقی میشوند. امروز هیچ کشوری انتظار نمیکشد تا یک بحران اقتصادی رونما شود تا برای مبارزه با آن اقدام کند. با ملاحظه این واقعیت من به این عقیده ام که پذیرش یک سیاست اقتصادی برای کشور ما کلید انکشاف آینده خواهد بود. تشبثات آزاد خصوصی در چوکات این نظام صرف برپایه ای منفعت عامه استوار بوده و مجاز خواهد بود. هدف ما این است که تا حد امکان جمیع طبقات ملت بصورت عادلانه ازین سیاست اقتصادی مامتمتع گردند. برای اینکه بتوانیم چنین یک هماهنگی را ایجاد کنیم لازم است تا دولت به حیث متصدی و به حیث تشویق کننده علایق و منافع ملت تمام اقتصاد ملی کشور را رهبری کند. بدین ترتیب سیاست زندگی، توزیع عادلانه عایدات ملی و مساعی برای ایجاد استخدام کامل مشخص میگردد. محمد داؤد صدراعظم که عمدتاً انکشاف اقتصادی کشور را در چهارچوب حکومت و استفاده از امکانات دولتی تصور میکرد و به بخش خصوصی به دیده اغماض میدید، برای نخستین بار در تاریخ کشور پلان های اقتصادی را تحت رهبری و کنترل مستقیم دولت طرح و بمنصه عمل گذاشت. بناً حکومت یکسلسله اقدامات جدی را در روند سروصورت بخشیدن و ایجاد زیربناهای مهم اقتصادی و تحکیم دولت داری در افغانستان براه انداخت. چنانچه در همین سال شعبه مشاوریت مؤظف شد در طرح یک پلان عمومی اقتصادی اقدام نماید. در سال ۱۳۳۳ در وزارت اقتصاد شعبه مشاوریت ایجاد گردید که هدف آن طرح پلان متذکره بریاست عبدالملک عبدالرحیم زی کفیل وزارت مالیه که در عین زمان وکالت وزارت اقتصاد ملی رانیز عهده دار بود، با اشتراک یکتعداد از متخصصین داخلی و خارجی تحت کار گرفته شد و کمیته های مسلکی مانند کمیته بانکی، کمیته مالی، کمیته تجارتي کمیته معدن، کمیته انتقالات، کمیته صنعتی و کمیته زراعتی جهت تدوین اساسات این پلان تعیین گردید.

پیرامون تطبیق پلان پنجساله اول در قسمت تجارت، اقداماتی روی دست گرفته شد که از جمله میتوان از ایجاد شرکتهای صادرات پشم، صادرات قالین، صادرات میوه، صادرات کلمو(روده) صادرات نباتات طبی، صادرات حبوبات مزارشریف، صادرات پوست بزی وگوسفندی وشرکت ترانزیتی و بارچالانی نامبرد. صنعت چینی سازی در کشور بعد از یک سروی مقدماتی توسط متخصصین جاپانی و تثبیت مقدار پیداوار موادخام آن در داخل مملکت، در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) هجری شمسی گذاشته شد. دستگاه چینی سازی از طرف برادران شاکر به کشور وارد ودراسد همین سال به تولید امتحانی آغاز نمود. ظرفیت نهائی این فابریکه که به چینی سازی شاکر معروف گردید روزانه ده هزار پارچه مختلف چینی بود. سالنامه افغانستان طوریکه گفته میشود شرکت متذکره بنابر عدم حمایت دولت باوصف موجودیت مواد خام کافی درکشوربه شکست مواجه شد که خود میتواند یکی از مثال های ناپسند این دوره باشد. محمداؤد صدراعظم جهت تعمیل و تطبیق پلان های انکشاف اقتصادی مطروحه، دست به یکسلسله اقدامات دیپلوماتیک زده و در نظر داشت با جلب توجه یکتعداد از کشورهای زمینه های تطبیق پروژه های انکشافی را از طریق جلب و جذب کمک ها و قرضه های طویل المدت دول خارجی میسر سازد. " درین راستا گام اول را جهت تامین این هدف با ایالات متحده امریکا گذاشت فرهنگ، میرمحمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر ج دوم . "در سال ۱۳۵۴ ریچاردنکسن معاون رئیس امریکا به کابل آمد. با اینکه حکومت ازو بگرمی پذیرائی کردون نیاز های نظامی واقتصادی خودرا به تفصیل برای او بیان کرد، نکسن قانع نشد ودر گزارش خود، تقاضای افغانستان را تأیید نکرد، بطوری که کمک اقتصادی امریکا به افغانستان به امداد تخینکی و کمک مالی برای طرح وادی هلمند محدود ماند". فرهنگ، میرمحمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر ج دوم از کوشش های دیپلوماتیک صدراعظم توفیقی بدست نیامد و احتمالاً دوعامل مهم زمینه ساز عدم موفقیت اقدامات حکومت در صحنه سیاسی و دیپلوماتیک بویژه تامین روابط نزدیک افغانستان با امریکابود:

الف - موضوع سرحد و جانب داری افغانستان از آزادی پشتونستان که بدون شک تنشهای موجود بین افغانستان وپاکستان که از هم پیمانان ستراتیژیک امریکا در منطقه بود

را تشدید میبخشید و هر دو کشور را به لبه پرتگاه بدبختی و جنگ می کشانید،(که ما شاهد عواقب ناگوار و جبران ناپذیر آن در 4 دهه اخیر بوده ایم) بناً امریکا نمیتوانست کشوری را(افغانستان) کمک اقتصادی و نظامی نماید که دشمن نزدیکترین دوست ستراتیژیکش در منطقه بود.

ب - علاقمندی محمد داؤد صدر اعظم به نظام اقتصاد رهبری شده و اعمال سیاست محدود سازی فعالیت سکتور خصوصی در افغانستان، درحالیکه امریکا خود از طرفداران سرسخت سیستم اقتصاد آزاد و توسعه فعالیت های سکتور خصوصی در جهان بود. موضوعات فوق الذکر که از نگاه سیاسی و اقتصادی موردعلاقه افغانستان بود نه تنها در امریکا خریدار نداشت، بلکه با چنین طرحها مخالف بود. به هر حال عوامل هرچه بوده باشد، محمد داؤدکه آرزومند ترقی و انکشاف در کشور بود، من حیث مسئول حکومت نمیتوانست ناظر خرابی بیشتر وضع اقتصادی کشور باشد، بناً ناگزیر به اقدامات و منابع دیگر متوسل شد. یکی از دلایل مهمی که محمد داؤد را مجبور ساخت جهت تطبیق پلانهای مطروحه خویش رو بطرف اتحاد شوروی نماید، همانا برخورد سرد و پاسخ منفی ایالات متحده امریکا در برابر تقاضای صدراعظم بود. از طرف دیگر دولت شوروی از همان آغاز به حکومت جدید افغانستان همکاری های اقتصادی دلگرم کننده را پیشنهاد کرد. در قدم نخست دولت شوروی اعتبار بالغ بر سه و نیم ملیون دالر را جهت آغاز چنین همکاریها برای اعمار سیلوی مرکز، فابریکه نانپزی در کابل و امور قیرریزی سرک های شهر کابل تعهد نمود. فرهنگ، میر محمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر ج دوم در آغاز سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) شرکت هوایی آریانا ۵۱ فیصد از طرف افغانستان و ۴۹ فیصد از طرف کمپنی اندیا که بعد تر جای کمپنی اندیا را پان امریکن اشغال نمود تاسیس شد، با طیارات نوع داکوتا که هر یک ظرفیت ۳۰ نفر مسافر را داشت در میدانهای هوایی داخل و خارج شروع به پرواز نمود و حمل و نقل مسافرین و مال التجاره لوکس را انجام میداد. در زمره سرمایه گذاری ها در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) یک دستگاه صابون سازی در مزار شریف ایجاد و بکار آغاز نمود. بمنظور تنظیم و توسعه امور هوانوردی ملکی در اخیر سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) ریاست هوایی

ملکی به حیث ارگان رسمی دولت تاسیس گردید و متعاقب آن پیمان هوانوردی ملکی بپاکستان و ترکیه عقدگردید که تسهیلات خوبی را در راستای توسعه تجارت فراهم ساخت. موافقتنامه احداث میدان هوایی بین المللی قندهار با اداره همکاری امور هوا نوردی بین المللی امریکا نیز امضاء شد. در اولین پلان اقتصادی افغانستان که در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) در زمان صدارت محمد داؤد بادر نظر داشت ظرفیت ها، امکانات داخلی، قوای بشری، تمویل و همکاری خارجی طرح و به منصه عمل گذاشته شد مبلغ ۵,۸ هزار ملیون افغانی به سکتور زراعت اختصاص یافت. بر اساس پلان مطروحه می بانیست ۱ ملیون و ۲۵۶ هزار جریب زمین به مصرف مجموعی ۲۲۹۴ ملیون افغانی به زمین های قابل زرع افغانستان ارتقاء می یافت. در پلان متذکره توجه خاصی در احداث سرکهای انتقالی و ترانسپورتی که جزء عمده مراحل رشد اقتصادی بود مبذول شد. چنانچه شاهراه کابل - مزار شریف، مزار شریف-حیرتان، کابل-جلال آباد، جلال آباد-تورخم، کابل - قندهار، کابل-هرات ، قندهار-سپین بولدک، هرات - تورغندی و هرات -اسلام قلعه از کارهای زیربنائی همین دوره میباشد. با اکمال این پروژه های عام المنفعه نقاط عمده اقتصادی، گمرکی و بنادر افغانستان با هم وصل شد و تسهیلات بزرگی را در سطح کشور برای رونق و گسترش تجارت داخلی و خارجی مهیا ساخت. همچنان در مورد سکتور برق که پایه اساسی انکشاف اقتصادی میباشد در پلان اول پروژه های نه چندان بزرگ اما ضروری در نظر گرفته شده بود که از آن جمله پروژه های مولد برق چک وردک با ظرفیت چهار هزار کیلووات، برق پلخمری سه هزار کیلووات به بهره برداری سپرده شد و بند ماهیپر با ۱۱ هزار کیلووات، بند نخلو با شش هزار ششصد کیلووات، و مزار شریف با ۱۰ هزار کیلووات شامل پلان شد. معهذ این ایجاب فابریکه صنعتی بغلان با ظرفیت پنج هزار تن قند، فابریکه دهنه غوری با ظرفیت ۱۲ هزار تن سمنت و احداث فابریکه نساجی پلخمری پیشبینی گردیده بود. فرهنگ، میر محمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر ج دوم ایجاد زیربنای حقوقی از مسایلی بود که به آن توجه مبذول شد و در مورد وضع قوانین و مقررات بر وفق نیاز نظام اقتصادی تصامیم لازم اتخاذ و هم در جهت بهبود تجارت اصلاح بعضی از امور تجاری بخصوص

در بخش صادرات و واردات و متوازن ساختن بیلانس تجارت تلاشهای صورت گرفت. درین شکی وجود ندارد که در دوران صدارت محمد داود بنیاد صنایع ملی - دولتی که در رشد بعدی صادرات افغانستان نسبتاً کارگر افتاد و تا اندازه ای به انکشاف و توسعه صادرات جان تازه بخشید، گذاشته شد، اما در عین حال هنوز این همه اقدامات به قوام و پختگی کامل نرسیده بود که بنابر اقدامات سیاسی محمد داود صدراعظم در قبال پاکستان، بستر مداخلات پاکستان در امور تجارت خارجی افغانستان هموار و مشکلات مصنوعی ترانزیتی بر تجارت خارجی کشور نیز سایه افکند و صادرات افغانستان را به چالشهای جدید مواجه ساخت. از سوی دیگر بنابر اعمال سیاست های تحدیدی "پوشیده" بر سکتور خصوصی افغانستان، تحرک جدی در جذب و توسعه سرمایه گذاری سکتور خصوصی به مانند دوره قبلی بملاحظه نرسید و علاقه مفراطی که در دوره عبدالمجید زابلی از سکتور خصوصی نمایان بود به دلایل روشن، درین دوره به ضعف و عدم همکاری گرائید و سکتور خصوصی بعوض سیاست "واکنش و تحرک مثبت" در مقابل حکومت جدید، سیاست "گذاره و نیمه توقف" را در پیش گرفت که این سیاست برای سالیان متمادی ادامه داشت و ضربه هولناکی نه تنها به پیکر سکتور خصوصی وارد آورد، بلکه بر وضعیت اقتصادی کشور تأثیرات منفی را نیز به جا گذاشت. ادامه دارد